

دیدگاه‌های صاحب نظران و دبیران درباره‌ی

محتوای کتاب درسی دین و زندگی (۲)

فاطمه سادات میرعارفین
کارشناس ارشد برنامه‌ریزی آموزشی



اشاره

و تدوین کنندگان برنامه‌ها به منظور کیفیت بخشی برنامه‌ها و تولیدات آن‌ها فراهم آورد. در همین راستا، تناسب محتوای کتاب درسی دین و زندگی ۲ (سال دوم متوسطه) با توجه به مؤلفه‌ها و عناصر اساسی مندرج در راهنمای برنامه‌ی درسی تعلیم و تربیت دینی، از قبیل رویکردها، اصول، هدف‌ها و روش‌های آموزش و ارزشیابی، از دیدگاه صاحب نظران^۱ و سرگروه‌های آموزشی درس دینی، در سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های کشور و با استفاده از دو ابزار پژوهشی پرسش‌نامه و مصاحبه، مورد بررسی قرار گرفت.

این پژوهش، به سفارش دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی و به درخواست گروه درسی تعلیم و تربیت دینی آن دفتر انجام شد و دستاوردهای درخور تأملی را برای مؤلفان و تدوین کنندگان برنامه به همراه آورد. یادآور می‌شود، گروه درسی مربوط، با بهره‌جستن از یافته‌های این پژوهش، محتوای کتاب درسی مذکور را بازنگری کرده و با بسط

برنامه‌ریزان درسی، پس از تهیه‌ی یک برنامه‌ی درسی - به عنوان سندی رسمی و محصول فرایند برنامه‌ریزی درسی - و اعتبار بخشی آن، به تولید مواد آموزشی می‌پردازند. کتاب درسی، یکی از اصلی‌ترین ابزارهای آموزشی به حساب می‌آید که بیش‌ترین و عمده‌ترین کاربرد، به صحنه‌های اجرایی وارد می‌شود. اما قبل از آن لازم است، مرحله‌ی ارزشیابی تکوینی را پشت سر بگذارد و به عبارت دیگر، محتوای آن از دیدگاه متخصصان و دبیران مورد بررسی قرار گیرد تا از این مجرا، نارسایی‌ها و جنبه‌های مثبت آن روشن شوند. از این رو، ارزشیابی تکوینی برنامه‌های درسی، یکی از عناصر مهم و درخور توجه در فرایند برنامه‌ریزی درسی و جزو لاینفک آن به شمار می‌آید که دفتر «برنامه‌ریزی و تألیف کتب درسی» نسبت به آن توجه ویژه نشان می‌دهد. با اتکا به نتایج حاصل از این ارزشیابی به عنوان یک پشتوانه‌ی علمی - پژوهشی، می‌توان بازخورد مناسبی برای گروه‌های درسی



مقال دوم آموزش متوسطه

دیدگاه‌های صاحب نظران

* جنبه‌ی آیات و روایات محتوای کتاب بسیار است و تلاش شده تا جنبه‌های تعقلی، تا حد امکان در پرتوی جنبه‌های دیگر مطرح شوند. موفقیت و شکست چنین طرح‌هایی که هدف آن‌ها به صورت غیرمستقیم پیگیری می‌شود، به نحوه‌ی تدریس برمی‌گردد. به همین دلیل، باید به دانش‌آموزان قدرت تجزیه و تحلیل آموخت تا مبدا در آینده‌ی نزدیک، مثلاً با ملاحظه‌ی موارد نقص و تقص در جامعه به این نتیجه برسند که یا آن تعلیمات یکطرفه و بی‌محتوا بوده‌اند و یا این که وضع حکومت دینی و جامعه‌ی دینی فقط در ذهن و خیال قابل تحقق است.

* هنر کتاب در سؤال‌برآنگیزی است، چرا که دانش‌آموز را در معرض پاسخ‌هایی قرار می‌دهد. ولیکن در همین عرصه نیز پرسش‌ها متعدد، متنوع و در عین حال القایی هستند.

* توجه رویکرد ایمان‌گرایی باید بیش‌تر بر ایجاد علاقه و گرایش به آموزه‌های دینی باشد، در حالی که سبک ارائه‌ی مباحث کم‌تر چنین توفیقی دارد و بیش‌تر ایمان‌گرایی نویسنده را نشان می‌دهد.

* تنها اعتقاد به دین نیست که جزو فطرت انسان است، بلکه تشکیک در دین هم جزو فطرت است که این مورد مطرح نشده است و فقط مواردی اثبات شده‌اند.

* جمع‌گرایی عقل و عرفان در بخش‌های آغازین کتاب پررنگ‌تر است؛ به‌ویژه در مبحث معاد. اما در مباحث بعدی، لطایف و ظرایف عرفانی که می‌توانستند در انتقال و القای مفاهیم چاشنی‌هایی قوی باشند، به ندرت به کار گرفته شده‌اند.

* در رویکرد خلاق، نوع پرداختن به مسائل، زبان به کار گرفته شده در کتاب، سازماندهی مباحث و پرسش‌های مربوط به بخش‌های اندیشه و تحقیق، بررسی، تفکر و تدبیر و... از نظرگاه کمی و کیفی - خلاقانه و مبتکرانه است. اما با ظرفیت و توان دانش‌آموز متناسب نیست و سیر از ساده به مشکل در آن دیده نمی‌شود.

* بهتر بود گاه در «اندیشه و تحقیق» یا «پیشنهاد»، یکی از بندها با نقطه‌چین مشخص می‌شد تا دانش‌آموزان، خود پیشنهادی را مطرح کنند.

* این کتاب بیش‌تر رویکرد موضوعی دارد و از علوم دیگر خیلی کم‌تر بهره گرفته است؛ مگر در علم مفاهیم قرآن، آن هم به دلیل ماهیت موضوع.

سازی‌های مناسب و امکان‌پذیر، به کار بستن آن‌ها برداشته است.

در این نوشتار، برخی از دیدگاه‌ها و اظهارات مطرح شده

توسط صاحب‌نظران و سرگروه‌های آموزشی درس دینی در

سازمان‌های آموزش و پرورش استان‌های کشور، انتخاب و ارائه

شده‌اند که از نظر نگارنده، جزو مهم‌ترین، برجسته‌ترین و بحث

برانگیزترین موارد به شمار می‌آیند. اگرچه در مجموع، تناسب

محتوای کتاب با مؤلفه‌های در نظر گرفته شده در راهنمای

برنامه‌ی درسی مربوط از نظر این دو گروه منابع اطلاعاتی، مورد

تأیید واقع شده، اما این موارد، در برگزیده‌ی نکات ارزنده‌ای

است که گاه از جنبه‌ی مثبت مدنظر است و گاه بذل توجه بیش‌تر

از سوی دست‌اندرکاران این برنامه را مورد تأکید قرار می‌دهد.

پادآور می‌شود، به دلیل اهمیت موضوع، این نظریات به شکل

نقل قول‌های مستقیم ارائه شده‌اند و با جمع‌بندی نهایی پایان

پذیرفته‌اند.

* خلاقیت، تفکر واگراست و دانش آموز باید به این تفکر برسد. لذا سؤال این است که خلاقیت، در آموزه های دینی ما چه نقشی ایفا می کند و چگونه باید خود را نشان دهد؟

* در بحث تقویت خصلت اجتماعی به نظر می رسد، چنانچه آیات مورد تدبیر قرار گیرند و سپس در مقام عمل، التزام حاصل نمایند، ثمربخش خواهند بود، ولی نکات اجتماعی و مراعات آداب عمومی و اجتماعی، گرچه جنبه ی اخلاقی دارند، باید در آموزش های دینی به آن ها بیش تر پرداخته شود. به طور کلی، با توجه به این که جوانان نسل امروز از آداب و معاشرت های اسلامی کم تر بهره گرفته اند، لذا ناهنجاری های متعددی مشاهده می شود که اگر از حیث نحوه ی تعاملات اجتماعی و برخورد با ناملایمات و سختی ها و...، مثال هایی از تاریخ اسلام و سیره ی پیشوایان ذکر می شد، محتوا غنی تر می گردید.

* گره خوردگی مباحث و موضوعات با زندگی دانش آموز، از توفیق نسبی برخوردار است، مباحثی در کتاب وجود دارند که از نظرگاه منطق نیاز دانش آموز - چه به لحاظ ویژگی ها و نیازهای خاص این دوره ی سنی، چه به اقتضای ارتباط با دنیای بیرون و با توجه و تحلیل دشوار - با دانش آموز و دوران میانی نوجوانی، ارتباط و پیوند برقرار می کنند.

* دانش آموز باید از طریق آموزه های دینی، قدرت تجزیه و تحلیل پیدا کند و بتواند بین الگوهای اجتماعی دین اسلام و آنچه به طور عینی مشاهده می کند، رابطه ای معقول برقرار سازد. نویسندگان محترم باید در برخی از موارد دانش آموزان را با واقعیات تلخ زندگی مواجه سازند تا آنان دچار تعارض نشوند.

* لازم است در زمینه ی برنامه ی جامع سلوک فردی و اخلاقی بیش تر کار شود. با توجه به دنیای امروز، مفاسد اخلاقی و اجتماعی، بحث اینترنت و ماهواره و... باید خیلی ظریف، دقیق و عقلانی کار شود و مطالب بیش تری با استفاده از کتاب های اخلاقی در جای جای کتاب اضافه شوند.

* حضور اندیشه های امام (رحمة الله علیه) در کالبد محتوا کاملاً نمایان است. گرچه در ظاهر از سخنان ایشان خیلی استفاده نشده است، اما روش خوبی برای القای مطالب است.

* توانایی قرائت صحیح قرآن کریم و تلاش برای قرائت مستمر آن، زمانی در عمل و رفتار تقویت می شود که مسأله ی قرائت در اجرا جدی گرفته شود.

* در کتاب دوم، در مورد آشنایی با معاد و حقیقت زندگی پس از مرگ به خوبی صحبت شده، ولی جای خالی برزخ پس از مرگ محسوس است.

* کتاب درسی آن چنان که باید، از عهده ی بحث درباره ی حیطة ی رفتار و عمل برنمی آید. دانش آموز باید الگو و اسوه ی عملی داشته باشد و در این میان، نقش دبیر بسیار حساس و اساسی است.

* درخصوص عفت، آراستگی و مسائل اجتماعی و اخلاقی، از سیره ی انبیا و حضرت فاطمه (سلام الله علیها) کم تر استفاده شده است.

* درس های اول و دوم به نوسازی و بازسازی نیاز دارند؛ چون از نظر محتوا، پیچیده هستند. اگر درس اول را برداریم، آیا نوجوان ما مطلب را بهتر متوجه نمی شود؟ تعریف هایی که برای «خلق»، «تسویه»، «تقدیر» و «هدایت» آمده اند، نوجوان را دچار سردرگمی می کنند.

* لازم است مبحث حجاب مرد و تأثیر آن در تربیت اجتماعی مردان، مورد بحث قرار گیرد.

* کتاب در استفاده از زبان ادبی و هنری بسیار موفق است و از این منظر ستودنی است.

* اگر به دنبال اجرای روش های فعال هستیم، به نظر می آید باید از حجم محتوا بکاهیم.

* موضوع عفاف، ارتباط بیش تری با زندگی روزمره ی دانش آموزان دارد.

* آنچه در فرایند کتاب می توان یافت، این است که بیش تر به نیازهای عاطفی - دینی جوانان پاسخ داده می شود. نیازهای فکری و عقلی دانش آموزان خیلی ارضا نمی شوند.

* موضوع حجاب و عفاف از قوت تحلیل برخوردار نیست. همچنین پاسخگو و سیراب کننده ی پرسش ها و شبهات امروز نیست.

* ساختار محتوا و شبکه ی مفهومی کتاب، حول سه محور نظری (جهان شناسی، خودشناسی و معاد) است. و مسائل دینی دانش آموزان کم تر مورد بحث قرار گرفته اند و کتاب عمدتاً به اعتقادات اسلامی پرداخته است.

* در مجموع، بعد اجتماعی کتاب کم رنگ است و بیش تر حجم کتاب به جنبه ی فردی مسلمانی اختصاص یافته است.

جنبه های استدلالی کتاب باید ظهور بیش تری داشته باشند. دانش آموز در این سن آمادگی این کار را دارد.

محتویات کتاب (مفاهیم، دانستی ها، فعالیت ها، تصویرها

و... با توان ذهنی دانش آموزان پایه ی دوم دبیرستان هماهنگی دارند، ولی با نیازهای دینی و سوالات مذهبی ایشان چندان همخوانی ندارند.

* مفهوم تصویر روی جلد و فضای آن مبهم است، اما تصویر پشت جلد و روایت آن، جالب توجه است و جنبه ی اندیشه را تداعی می کند.

* اگر درس های معاد، به دلیل جذابیت، در ابتدا مطرح می شدند، ارتباط زیباتری پیدا می کردند، مگر این که درس های اولیه از جاذبه ی بیش تری برخوردار شوند.

* خوشبختانه مباحث در سیر خویش بارها دانش آموز را درگیر می کنند و با طرح پرسش، مجال تأمل و درنگ در کتاب و درس را فراهم می سازند. تنها اشکال جدی، نوسان در اندازه و حجم تمرین هاست که قطعاً از توان و ظرفیت کلاس فراتر است. این مهم ترین نکته ای است که در بازنگری و اصلاح کتاب باید مورد توجه باشد.

* فعالیت های یادگیری زیادند و شایسته است تعداد آن ها کاهش یابد. در عوض، فعالیت های یادگیری باقی مانده به طور عمیق تر مورد پردازش قرار گیرند.

* با توجه به ویژگی های دوره ی نوجوانی و جذابیت های فرهنگ غربی، شایسته است در این کتاب به طور جدی به اهمیت، ضرورت و نتایج فرهنگ ایرانی - اسلامی، خصوصاً در رابطه با آداب و رسوم، معاشرت، رفتارهای جنسی، مصرف گرایی و... توجه شود.

* گنجاندن مباحثه ی گروهی و طرح پرسش از سوی دانش آموزان، در فعالیت های کتاب ضروری است.

* گنجاندن بحث احسان به والدین که در قرآن کریم به طور مکرر و همردیف توحید یاد شده است، ضرورت دارد.

* به معلمان، خصوصاً در علوم انسانی و درس دینی و نیز به آموزش مستمر آنان اهمیت داده شود.

* در مقدمه ی کتاب، آوردن مباحثی با عنوان «سخنی با دانش آموزان» لازم است، تا طی آن دانش آموزان با هدف ها و ساختار و ارتباط موضوعات و درس ها آشنا شوند و در حین آموزش بتوانند، بارها به این مقدمه رجوع کنند و ساختار کلی، شبکه ی مفهومی و مفاهیم اساسی محتوای کتاب را در یک دید کلی درک کنند.

* تصویری از حضرت امام (رحمه الله علیه) در حال لبخند و همراه با یک منظره ی شاداب، ارائه شود.

* کسی که این کتاب را تدریس می کند، باید از تخصص و

مهارت کافی برخوردار باشد.

* در کتاب های دینی باید فرایند تبدیل دریافت های عقلی به باورهای اعتقادی تأمین شود.

* یکی از وظایف مهم متون دینی، شناساندن شیطان به عنوان یک موجود خارجی به دانش آموز است.

* به دلیل چالش جدی که از حیث عفت در جامعه وجود دارد، لازم است به این مقوله به اندازه ی کافی پرداخته شود. استفاده از سیره و مصداق های عملی، می تواند مدرسان باشد. در این بحث، باید مردان و زنان هر دو مورد تأکید قرار گیرند.

* خوب است، زمینه های استفاده از تجربه های دبیران موفق - به منظور گسترش آن تجربه ها - فراهم شود.

* نیازهای زندگی دوره ی جوانی باید از نظر دینی، روان شناختی و فلسفی به بحث گذشته شوند، چون پرسش های جوانان در جایی پاسخ داده نشده اند.

* محتوای این کتاب نسبت به محتوای کتاب سال گذشته، ارتباط بیش تری با مخاطب برقرار می کند.

* یکی از امتیازات کتاب را می توان تلفیق بسیار موفق قرآن و تعلیمات دینی دانست. این نوع تلفیق در حوزه ی گسترده تری با عنوان «Broad Field» انجام شده، اما در سند برنامه مورد توجه قرار نگرفته است.

* بی توجهی به قالب شکنی در تدوین محتوا - یعنی برخوردار از یک محتوای ثابت - یکی از ضعف های اساسی کتاب است که نشان می دهد، نیاز سنجی و زمان آگاهی و نیز

حضور اندیشه های امام (رحمة الله علیه) در کالبد محتوا کاملاً نمایان است. گرچه در ظاهر از سخنان ایشان خیلی استفاده نشده است، اما روش خوبی برای القای مطالب است

تجربه های مربوط به دلایل توفیق آموزش دینی در گذشته، باید مورد توجه و تأمل جدی قرار گیرند. در این مورد می توان مباحثی را که کاربرد بیش تری در زندگی دارند، با ایجاد انعطاف و سازگار کردن با نیازها و علاقه های مخاطبان و شرایط زمانی، مطرح کرد.

* در تدوین محتوا باید به علاقه ی مخاطب و جاری بودن

توحید در زندگی او توجه شود.

* در ارائه‌ی منابع و پاورقی‌ها، از ذکر اسناد متنوع، پرهیز شود. در این مورد، نشانی‌ها کامل و صحیح نقل شوند.

* برای ایجاد حس مسؤولیت دینی می‌توان دانش‌آموز را به مصاحبه با افراد شایسته و مؤمن و ارائه‌ی گزارش در کلاس ترغیب کرد.

* باید بازخورد آموزش‌های دینی را در جامعه پیگیری کرد.

* خوب است در ابتدای کتاب، یک سلام، خوشامدگویی

یا یک شعر برای ایجاد رغبت در مخاطبان گنجانده شود؛ این

یک ادب دینی است. مثلاً این آیه را می‌توان در قالبی هنری

آورد: **وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا، فَقُلْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ**

(انعام، ۵۴): و هرگاه آنان که به آیات ما می‌گروند، نزد تو

آیند، بگو سلام بر شما باد.

دیدگاه‌های سرگروه‌های آموزشی

* کثرت تنوع مطالب ارائه شده گاهی منجر به این می‌شود که از

عمق و غنای مطالب و مباحث کم شود. در این کتاب، دنیایی

از مطالب زیبا و متنوع به تفصیل یا اجمال مطرح شده است و

این مسأله، هم برای دانش‌آموز و هم برای معلم، مشکلاتی

ایجاد می‌کند.

* درس‌ها بیش‌تر جنبه‌ی ایمان‌گرایی دارند.

* در قسمت پیشنهادها و اندیشه‌ها و تحقیق و تفکر یا

بررسی، نکات مورد توجهی ذکر شده‌اند که دانش‌آموزان با

کمک آن‌ها و از طریق خلاقیت‌های دینی می‌توانند، به رشد

معنوی برسند.

* تفکر عقلی در مباحث مربوط به پوشش به‌طور کامل بیان نشده

است و در سایر موارد نیز بیش‌تر مباحث بر پایه‌ی استدلال نقلی

استوارند.

* نویسنده‌ی محترم توانسته است، با توجه به اوضاع و احوال

دانش‌آموز سال دوم دبیرستان، بحث معاد و توحید را به سبک

جدید و شایسته‌ای بیان کند.

اصول حاکم بر محتوای کتاب اشراف و تسلط لازم را داشته

باشند. متأسفانه تجربه نشان داده است که روش تدریس

بعضی از معلمان به خاطر اعمال سلیقه‌های شخصی و گاهی

مغایر با اصول حاکم بر محتوای کتاب و نقصان در زمینه‌ی

آگاهی و علمی، نتیجه را معکوس می‌کند. لذا آموزش معلمان

در بعد مبانی و زیرساخت‌های معرفتی و علمی و روشی، از

ضروریات است.

* در تمامی درس‌ها، موضوع تدبیر در قرآن و آشنایی با معارف و

سنت و سیره‌ی معصومین مشاهده می‌شود.

* در بحث معاد، آشنایی با عالم برزخ و خصوصیات آن، جزو

هدف درج شده، در حالی که در کتاب بحثی از برزخ، به میان

نیامده است.

* در کتاب، درباره‌ی شکرگزاری از خداوند خیلی کم بحث شده

است.

* در درس نهم، با توجه به غلبه‌ی رحمت خداوند بر عذابش،

بہتر است ابتدا جایگاه نیکوکاران و سپس جایگاه گناهکاران مطرح

شود تا با هدف‌های کتاب تناسب بیش‌تری داشته باشد.

* کتاب جدید نسبت به کتاب‌های سابق کم‌تر فرصت قرائت قرآن

را فراهم می‌آورد.

* محدودیت زمانی، امکان تعامل دانش‌آموزان در روند آموزش

را به‌طور گروہی کم‌تر میسر می‌سازد.

* بہتر است احکام مربوط به پسران و دختران مجزا مطرح شوند.

* مطالب کتاب به گونه‌ای مطرح شده‌اند که به تناسب موضوع

درس‌ها، می‌توان از انواع روش‌ها استفاده کرد، ولی قبل از

هرچیز، معلمان باید با خصوصیت هر روش و کاربرد آن به

خوبی آشنا باشند و در عین حال با مطالعات جنسی، اعم از

کتاب معلم یا معرفی کتاب، زمینه‌ی کار قوی‌تر را در کلاس

برای آن‌ها فراهم آورند. زیرا هر قدر کتاب و مطالب آن به خوبی

نگارش یافته باشد، این هنر معلم است که آن را به بهترین غذای

فکری و معنوی، و بایر عکس به موضوعی کسل‌کننده و

خستگی‌آور برای دانش‌آموز تبدیل می‌کند.

* متن کتاب جدید تا حدی راه را برای حرکت به سوی الگوها

و روش‌های جدید و فعال باز گذاشته است. با وجود این،

بسیاری از مباحث به گونه‌ای هستند که در صورت عدم توانایی

دبیران، بچه‌ها می‌توانند به‌طور مشارکتی، درس را به صورت

سخنرانی ارائه دهند. بنابراین ضرورت دارد در راهنمای معلم

و دوره‌های توجیهی، استفاده از روش‌های مشارکتی، به شکل

مداوم تذکر داده شود.

در کتاب‌های دینی باید فرایند

تبدیل دریافت‌های عقلی به

باورهای اعتقادی تأمین شود

* کتاب آموزشی تنها یک مؤلفه در فرایند آموزشی است. لازم

است به مؤلفه‌ی دیگر یعنی معلم نیز پرداخته شود تا دبیران به

❖ با توجه به اشاراتی که به امر به معروف، نهی از منکر و اصول تولا و تبراشده است، حس مسؤولیت دینی در دانش آموزان افزایش می یابد.

❖ تا زمانی که برنامه های درسی در تمامی رشته ها انسجام کامل نداشته باشند، دانش آموزان فقط درس را می خوانند، ولی به آن دل نمی دهند تا باور عملی در آنان ایجاد شود. این امر در مورد معلمان نیز باید مراعات شود. اگر حس مسؤولیت دینی در معلم مشاهده شود، تا حدودی به فراگیر نیز منتقل خواهد

موفقیت و شکست چنین طرح هایی که هدف آن ها به صورت غیرمستقیم پیگیری می شود، به نحوه تدریس برمی گردد

شد.

❖ در بخش های تحقیق، بررسی و پیشنهاد، مواردی از دانش آموز خواسته شده که با زندگی او گره خورده است.

❖ محتوای درس ها، غالباً از مسائل روزمره ای است که زندگی دانش آموز را در بردارد؛ از قبیل مسائل اعتقادی، معاد، احکام، مسائل اجتماعی، اخلاقی، بحث اقتصادی و حتی آراستگی شخصی.

❖ در بخش احکام، به مسائل بلوغ، تکلیف (تقلید، نماز، روزه و...) و مسائل مبتلا به، کم تر پرداخته شده است.

❖ اگر چه بحث پوشش، کار و درآمد، متناسب با نیاز امروز دیده شده، اما جای مباحث اخلاقی که تأثیر عملی داشته باشند - که در این شرایط نیز بسیار مورد نیاز است - در تمامی کتاب خالی است.

❖ کتاب به لحاظ محتوایی غنی و پربار و در بردارنده ی مطالب علمی است. خصوصاً در بخش معاد بسیار پرجاذبه و متناسب با سطح سنی و علاقه های دانش آموزان است.

❖ از امتیازات خوب کتاب این است که در زمینه های متفاوت اعتقادی، اجتماعی، خانوادگی و اقتصادی بحث کرده است؛ موضوعاتی که دانش آموز در فعالیت های روزمره با آن ها سروکار دارد.

❖ دبیران این درس در تمامی استان ها به دوره ی آموزشی-توجیهی نیاز دارند.

❖ خوب است مؤلف کتاب، برای رفع ابهامات و اشکالات

دبیران، به استان های کشور سفر کند.

❖ برخی از درس ها طولانی اند. گسسته شدن بحث و موکول کردن ادامه ی آن به جلسه ی بعد، در یادگیری افت ایجاد می کند.

❖ ذکر مباحثی از امام زمان (عجل الله تعالی فرجه الشریف) به عنوان امام حی، در تمام پایه ها لازم است.

❖ به منظور پرهیز از سلیقه های شخصی دبیران در تدریس، آموزش معلمان جزو ضروریات است.

❖ با توجه به حجم برخی از درس ها و فعالیت ها، فرصت کافی در اختیار نیست.

❖ ان شاء الله خداوند به گروهی که با دلسوزی کار را دنبال می کنند، توفیق بدهد تا در آینده شاهد حضور هر چه بیش تر دین در عرصه ی دل و عمل باشیم.

❖ انصافاً زحمت زیادی کشیده اید! خدا اجرتان بدهد!

❖ سه ساعت در هفته برای تدریس این کتاب کم است. یا باید به ساعت درس افزوده شود یا این که از حجم آن کاسته شود و تکالیف و تحقیقات محدود گردند. با وضعیت فعلی، هفته ای ۴ ساعت، مناسب تر است.

جمع بندی

همان گونه که ملاحظه می شود، صاحب نظران و سرگروه های آموزشی به نکات بسیار ارزنده و قابل دفاعی از حیث مزایای محتوای کتاب و نیز مواردی که بذل توجه بیش تری را می طلبند، اشاره کرده اند؛ از جمله تلفیق موفق قرآن و تعلیمات دینی که به نظر می رسد، برجسته ترین موردی است که سایر مباحث را تحت الشعاع خود قرار می دهد. چرا که رویکرد اصلی و اساسی که گروه درسی مربوط در تدوین برنامه بدان توجه کرده اند، تلفیق مفاهیم قرآنی و معارف اسلامی بوده است. اما کاستن از حجم محتوا و توجه به نیازسنجی و زمان سنجی در تدوین محتوا، جزو کلیدی ترین مواردی است که تأمل و تعمق تهیه کنندگان برنامه را به منظور کیفیت بخشی به مباحث و موضوعات طرح شده، برمی انگیزد.^۲

زیرنویس:

۱. متخصصان رشته برنامه ریزی درسی و موضوعی در دانشگاه ها، حوزه های علمی و کارشناسان دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی.

۲. گزارش این پژوهش به منظور کسب اطلاع بیش تر و دقیق تر از یافته های آن، در دفتر برنامه ریزی و تألیف کتب درسی موجود است.